

اقتصاد سیاسی

مقدمه ی مترجم

رساله یی که در حال حاضر برای اولین بار به زبان انگلیسی ملاحظه می شود ترجمه ی فصل اول کتاب "مقدمه بر اقتصاد"، اثر روزا لوکزامبورگ است. این اثر یادگار دوران تدریس روزا لوکزامبورگ در مدرسه ی حزب است که در سال ۱۹۰۶ توسط حزب دموکرات آلمان در برلین تأسیس شد. او تا سال ۱۹۱۳ به تدریس در دوره های زمستانی این مدرسه اشتغال داشت. ۳۰ دانشجویی که هر ساله در این مدرسه پذیرفته می شدند از میان اتحادیه ی اصناف و شوراهای محلی وابسته به حزب سوسیال دموکرات آلمان انتخاب می شدند. در این مدرسه روزا لوکزامبورگ اقتصاد مارکسیستی را تدریس می کرد. کوشش های او در جهت ارائه ی این موضوع به شکل وسیع، و در عین حال بدون مبتذل کردن و ساده انگاشتن مطلب، آن هم برای دانشجویانی که از میان افرادی انتخاب شده بودند که یا کاملاً نسبت به مارکسیزم بیگانه بودند و یا بدان آشنائی کمی داشتند، منجر به نوشتن این رساله گشت که در ابتدا چیزی جز مجموعه ی سخنرانی های درسی او نبود.

بعدها از خلال یکی از نامه های او که در طول جنگ جهانی اول از زندان نوشته شده است ما به فصل بندی این رساله دست می یابیم:

فصل اول: اقتصاد چیست؟

فصل دوم: کار اجتماعی

فصل سوم: تاریخ اقتصادی

فصل چهارم: تاریخ اقتصادی

فصل پنجم: تاریخ اقتصادی

فصل ششم: تولید کالا

فصل هفتم: کار مزدوری

فصل هشتم: سود

فصل نهم: بحران

فصل دهم: جهت گیری توسعه ی سرمایه داری

گرچه دو فصل اول آن در تابستان ۱۹۱۶ برای چاپ آماده بودند، معذالک این رساله چاپ نشد. به علاوه، پس از مرگ او و غارت خانه اش توسط نظامیان "نوسکه" تنها شش فصل از این اثر سالم باقی ماند.

رساله ی زیر برای اولین بار در اوائل قرن به وسیله ی پل لوی^۱ منتشر شد. البته باید بدانیم پل لوی متهم به دستکاری این اثر است.

کتاب "مقدمه بر اقتصاد"، در دو جلد به وسیله ی استالینیسست ها به خاطر هشتادمین سالگرد تولد روزا لوکزامبورگ در ۵ مارس ۱۹۵۱ منتشر شد. پل لوی متن اخیر را که بنا به گفته ی مؤلفین آن- یعنی "انستیتوی مارکس- انگلس- لنین" در مقدمه یی که بر کتاب نوشته چندین نکته را مورد بحث قرار می دهد. بر طبق نظر روزا لوکزامبورگ:

Paul Levi -^۱

"اقتصاد علمی است که با قوانین مخصوص وجه تولید سرمایه داری سروکار دارد... و علم اقتصاد علت وجودی خود را به محض از بین رفتن این وجه تولید از دست داده و خود از بین خواهد رفت ... هنگامی که اقتصاد آشفته ی سرمایه داری راه را برای یک نظم اقتصادی برنامه ریزی شده و سازمان یافته که به طور منظم تمامی نیروی کار انسانی را به حرکت وامی دارد، باز کند در آن صورت وظیفه ی اقتصاد به عنوان یک رشته از علوم به پایان خواهد رسید..." (صفحه ی ۴۶)

به عقیده ی استالینست ها، روزا لوکزامبورگ بدین وسیله منکر "رشد سریع اقتصاد سیاسی که توسط نین و استالین طرح ریزی شده" گشته و هم چنین مسأله ی "ایجاد اقتصاد سیاسی سوسیالیزم" را نفی کرده است. در حقیقت نیز، در رابطه با بنیان گذاران و بزرگان مارکسیزم مسأله ی دقیقی مطرح شده است. اگر اقتصاد علمی است که با قوانین اقتصاد سرمایه داری سروکار دارد پس چرا شوروی که سوسیالیزم در آن کشور بر پایه ی مراحل نهایی خود گذاشته، هنوز بدان نیازمند است؟

اقتصاددانان استالینست برای رد عقاید روزا لوکزامبورگ دست به مطالعه و جستجوی آثار مارکسیستی کلاسیک زده اند تا بلکه این ادعای خود را ثابت کنند و در این گذر نقل قولی از "آنتی دورینگ" انگلس را شاهد آورده اند. من که به این چاپ دسترسی نداشتم سعی کردم از متن انگلیسی این اثر، نقل قول مورد نظر را پیدا کنم که البته در هیچ چاپ انگلیسی "آنتی دورینگ" به این نقل قول برخورد نکردم. در هر حال حتی اگر انگلس چنین چیزی گفته باشد باز به منزله ی رد نظرات روزا لوکزامبورگ نخواهد بود. آیا "سرمایه" ی

مارکس تحلیل و بررسی سرمایه داری است و یا تحلیل و بررسی تمام وجوه اجتماعی تولید؟

اقتصاددانان استالینیست در تعریف علم اقتصاد با اقتصاددانان مبتذل بورژوازی اشتراک نظر دارند. در رساله ی حاضر (فصل پنجم)، روزا لوکزامبورگ به خصوص بر این نکته که در تمام دوران ها و نظام های تولیدی به علم اقتصاد نیازمندیم خط بطلان می کشد. البته چنین تعریفی نه فقط در شوروی بلکه در کشورهای سرمایه داری غرب نیز^۲ متداول است. تعاریفی که استالینیست ها و بورژوازی از علم اقتصاد به دست می دهند هر دو به یک منظور و آن هم کتمان حقیقت است.

استالینیست ها که روح زنده ی مارکسیزم را ندیده می گیرند، هر چه بیشتر و سرسختانه تر به دام ظواهر امر می افتند. آن ها به روزا لوکزامبورگ که لغت (علم اقتصاد)^۳ را به جای عبارت اقتصاد سیاسی که "توسط رهبران و آموزگاران بزرگ ما استفاده می شد" به کار برده است، حمله می کنند. اخطار آنان این واقعیت جالب را بر ملا می سازد که علم اقتصاد برعکس دیگر رشته های علوم هنوز از نظر تاریخی و نه از نظر جغرافیایی نامی مورد قبول نیست و تأیید جهانی ندارد.

عبارت "اقتصاد سیاسی" که مطابق عبارت آلمانی است^۴ برای اولین بار در قرن هفدهم از طریق زبان فرانسه وارد زبان انگلیسی شد. (رجوع شود به دائره المعارف بریتانیکا، چاپ ۱۹۵۰، جلد هفتم، ص ۹۲۵) علت اطلاق چنین عنوانی، حداقل در مراحل ابتدائی به خاطر آن بود که این علم مسائل مربوط به

^۲ - به پارورقی ص ۷۷ کتاب مراجعه شود.

^۳ - Nationaloekonomie

^۴ - Kameralwissenschaft

سلطنت مطلقه را بررسی می کرد. مونچرتین*، روسو^۵، میلارد^{**}، پاژ^۶، ج. ب. سای^۷، ج. استوارت^۸، و دیگران از همین عبارات استفاده می کردند، در حالی که پتی^۹ و بلک استون^{۱۰} عبارت "اقتصاد عمومی" را ترجیح می دادند. هم چنین ج. ب. سای و بوآ^{۱۱} در فرانسه عبارت "اقتصاد اجتماعی" را به کار می بردند.

در ایتالیا، گ. ارتس^{۱۲} عبارت "اقتصاد ملی" را اولین بار حدود سال ۱۸۷۴ در کتاب خود به کار برد که همین عبارت در سال ۱۸۶۷ توسط فرگوسن^{۱۳} در انگلستان مورد استفاده قرار گرفت. در ضمن، عبارت "اقتصاد ملی" توسط سودن^{۱۴} در سال ۱۸۰۵ و توسط ژاکوب^{۱۵} در ۱۸۰۶ در آلمان به کار برده شد. در حقیقت به همان شکل که عبارت "اقتصاد سیاسی" در انگلستان رایج گشت، عبارت "اقتصاد ملی" در آلمان رواج پیدا کرد. حتی انتخاب چنین عبارتی از طرف اقتصاددانان آلمانی نباید ما را به تعجب وا دارد، چرا که هنوز وحدت ملی آلمان تا سال ۱۸۷۱ تأمین نشده بود. و بعدها هم به مرتجعانه ترین شکل خود حاصل شد. مسأله ی اقتصاد ملی ذهن بورژوازی

Montchretien - *

Rousseau - ^۵

Maillardere - **

Page - ^۶

J. B. Say - ^۷

J. Stewart - ^۸

Pelly - ^۹

Blackstone - ^{۱۰}

Buat - ^{۱۱}

G. Ortes - ^{۱۲}

Ferguson - ^{۱۳}

Soden - ^{۱۴}

Jacob - ^{۱۵}

آلمان و اقتصاددانان آن را به شدت به خود مشغول کرده بود. چنین مشغولیت ذهنی موجب تداعی نظری و عملی اقتصاد ملی و سرمایه داری گشت. در آلمان، تا به امروز عبارت "اقتصاد ملی" - هم به علمی که سرمایه داری را بررسی می نماید و هم به معنای خود سرمایه داری - به کار می رود. در انگلستان از قرن ۱۹ به بعد عبارت قدیمی تر "اقتصاد سیاسی" جای خود را به واژه ی جدید "اقتصاد" داده است و همین عبارت آخر است که مترجم زبان انگلیسی در سراسر متن به جای عبارت "اقتصاد ملی" آورده است.

به دلیل همین تکیه ی محافل اقتصادی آلمان بر روی "اقتصاد ملی" چه از نظر لغوی و چه از نظر مفهوم آن است که روزلوکزامبورگ سراسر بخش ۲ و ۳ و ۴ را صرف توضیح این مسأله می کند که افسانه ی "اقتصاد ملی" را از ذهن بزداید و جای آن را با این واقعیت که ما با یک نظم اقتصادی جهانی رو به رو هستیم، پر کند.

ت. ادواردز^{۱۶}

لوس آنجلس، فوریه ی ۱۹۵۴

ترجمه: آذرخش

بازنویس: یاشار آذری

منبع: انتشارات مولوی

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.iwsn.org/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N 3XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۶